

An Evaluation Model of Supporting Policy for Knowledge-Based Companies and Institutions

Borna Barkhordar¹ Ph.D. of Student, Department of Public Administration, Institute for Planning Studies, Tehran, Iran.

Ali Jahangiri² Assistant Professor, Department of Public Administration, Institute for Planning Studies, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Davoud Hosseinpour³ Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

Seyyed Mohammad Sahebkar Khorasani⁴ Assistant Professor, Department of Innovation Policy and Future Studies, Technology Studies Institute, Tehran, Iran.

Received: 13/May/2025 | Accepted: 11/Dec/2024

Abstract

Purpose: Now that more than a decade has passed since the implementation of the law "Supporting Knowledge-Based Companies and Institutions and Commercializing Innovations and Inventions", the issue of evaluating the level of achievement of the predetermined goals in this law and analyzing the quality of achievements regarding their positive and negative effects on the target community is of great importance. The present study was conducted with the aim of presenting an evaluation model of supporting policy for knowledge-based companies and institutions.

Methodology: In this qualitative research, the statistical population of the research consisted of two parts: the first were documents, plans, drafts, the text of the law, regulations, instructions, correspondence and administrative orders related to the law and the second were managers, experts, policymakers and implementers of the policy. The collection of research data was conducted using a documentary-library method and fieldwork through semi-structured interviews with academic and executive experts in the field of policymaking. The sampling method was snowball and purposeful theoretical saturation, through which we obtained the opinions from fifteen experts. We analyzed the research data using content analysis method and Atlas T software, version 7.

Findings: Based on the research results, 363 basic themes, thirty-two organizing themes, and nine comprehensive themes were discovered and presented in the formwork of a model with such key structural items as policy functions, desirable characteristics, evaluation structure, environmental factors, evaluation scheduling, appropriateness, efficiency, effectiveness, and usefulness.

Originality: In this study, we considered semantic commonalities of evaluation literature and, in accordance with the context and subject of evaluation, the desired evaluation approach and model of supporting policy for knowledge-based companies and institutions was presented.

Implications: formulating quantitative, specific, and measurable objectives for supporting policy in knowledge-based companies and institutions is the suggestion of this research.

Keywords: Policy Making; Policy Evaluation; Theme Analysis; Supporting Knowledge-Based Companies and Institutions; Commercialization Innovations and Invention Law.

1. b.barkhordar@imps.ac.ir

2. a.jahangiri@imps.ac.ir

3. hosseinpour@atu.ac.ir

4. sahebkar@tsi.ir



عنوان مقاله: ارائه مدل ارزش‌یابی خطمشی حمایت از شرکت‌ها و

مؤسسات دانش‌بنیان^۱

برنا بر خوردار^۲، علی جهانگیری^۳، داوود حسین پور^۴،

سید محمد صاحبکار خراسانی^۵

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

چکیده:

هدف: با گذشت بیش از یک دهه از شروع اجرای قانون "حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات"، مسأله ارزیابی میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده این قانون، و تحلیل کیفیت دستاوردها، و آثار مثبت و منفی آن، بر جامعه هدف، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پژوهش حاضر، با هدف ارائه مدل ارزش‌یابی خطمشی حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، انجام شده است.

طرح پژوهش/روش‌شناسی: جامعه آماری این پژوهش، کیفی، و بخش اسناد، طرح‌ها، متن قانون، آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، مکاتبات و دستورات اداری مرتبط با این قانون، و بخش مدیران، کارشناسان متخصص، سیاست‌گذاران و مجریان این خطمشی را شامل می‌شود. گردآوری داده‌ها، به روش اسنادی-کتابخانه‌ای و میدانی، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، با خبرگان دانشگاهی، و اجرایی حوزه خطمشی‌گذاری، انجام پذیرفته است. نمونه‌گیری، به روش گلوله برفی و هدفمند، انتخاب، و با دریافت نظر پانزده نفر از خبرگان، به اشباع نظری، دست یافته است. تحلیل داده‌ها، به روش تحلیل مضمون، و به کمک نرم‌افزار اطلس تی نسخه ۷، صورت گرفته است.

یافته‌ها: بر اساس نتایج، ۳۶۳ مضمون پایه، ۳۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۹ مضمون فراگیر، شناسایی و در قالب مدلی، با سازه‌های کلیدی: کارکردهای خطمشی، ویژگی‌های مطلوب، ساختار ارزش‌یابی، عوامل محیطی، زمان‌بندی ارزش‌یابی، تناسب، کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی ارائه شده است.

ارزش/اصالت پژوهش: در این پژوهش، اشتراک‌های معنایی ادبیات ارزش‌یابی، مورد توجه قرار گرفته، و متناسب با زمینه و موضوع ارزش‌یابی، رویکرد و الگوی مطلوب ارزش‌یابی خطمشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، ارائه شده است.

پیشنهادهای اجرایی/پژوهشی: تدوین اهداف کمی، مشخص و قابل اندازه‌گیری، مرتبط با ارزش‌یابی خطمشی حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: خطمشی‌گذاری، ارزش‌یابی خطمشی، تحلیل مضمون، قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته مدیریت دولتی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش برنامه‌ریزی است.

۲. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.
b.barkhordar@imps.ac.ir

۳. استادیار، گروه مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش برنامه‌ریزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
a.jahangiri@imps.ac.ir

۴. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
hosseinpour@atu.ac.ir

۵. استادیار، گروه سیاست نوآوری و آینده‌نگاری، پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران
sahebkar@tsi.ir

در حدود دو دهه است که ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان، به تدریج، جای خود را در خط‌مشی‌ها و برنامه‌های توسعه کشور، باز نموده و به کرات، مورد تأکید مقام معظم رهبری، و سایر مسئولین قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۹ با رونمایی از سند نقشه جامع علمی کشور^۱، مهم‌ترین سند بالادستی، در حوزه جهت‌گیری‌های کلان توسعه علمی و فناوری کشور، در راستای دستیابی به جایگاه ممتاز جمهوری اسلامی ایران، در منطقه ابلاغ گردید. این سند، در ۱۳ سرفصل، راهبردهای اساسی توسعه همه‌جانبه علمی کشور، منبعث از ارزش‌های اسلامی، و انقلابی را پیش‌روی بازیگران، قرار داده است. در راهبرد کلان سوم این سند، به موضوع لزوم جهت‌دهی چرخه علم و فناوری، در راستای ایفای نقش مؤثرتر در اقتصاد، اشاره شده است. در واقع، یکی از ارکان اصلی حرکت، به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، شرکت‌ها و مؤسسات، با قابلیت پژوهش (دانش‌بنیان) هستند که زمینه تبدیل دستاوردهای علمی، به ارزش افزوده اقتصادی را فراهم می‌آورند و مجدد می‌توانند، منابع خود را صرف پژوهش‌های جدید، بنمایند.

به موازات تدوین سند نقشه جامع علمی کشور، موضوع حمایت، از ایجاد مؤسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان، مورد توجه مسئولین وقت قرار گرفت و قانون حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات در ۱۳ ماده و شش تبصره، در سال ۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، و به دولت وقت، ابلاغ گردید. آیین‌نامه اجرایی قانون، در آبان ماه سال ۹۱ به تصویب هیأت وزیران رسید و فرآیندهای اجرای قانون، به تدریج، به مرحله اجرا درآمد. لازم به ذکر است، بخشی از مواد این آیین‌نامه، ۲ بار در سال‌های ۹۱ و ۹۳ مورد بازبینی و اصلاح، قرار گرفته است.

در حال حاضر، که حدود یک دهه از شروع اجرای قانون می‌گذرد، مسأله میزان دستیابی قانون، به اهداف از پیش تعیین‌شده و تحلیل کیفیت دستاوردها و آثار مثبت و منفی آن، بر جامعه هدف، مطرح است. بر اساس مشاهدات صورت گرفته، و گفتگو با صاحب‌نظران، قانون مذکور، هر چند دارای جنبه‌های مثبتی بوده است؛ اما در خصوص کارایی و اثربخشی مطلوب آن، در هدایت و جهت‌دهی، به شرکت‌های دانش‌بنیان، در راستای نیل به اهداف تعیین شده در قانون، که همانا تبدیل دستاوردهای علمی به ارزش افزوده اقتصادی است، ابهامات متعددی، مطرح است. برخی از این موارد به قرار زیر است:

۱. سند نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹: ۲۱.

- رویکرد شبه تصدی‌گرایانه دولت، به موضوع ارزیابی، و تشخیص دانش‌بنیان بودن شرکت‌ها.
- درگیری، تعارضات و رقابت‌های مخرب، میان دستگاه‌های دولتی، در ارتباط با راهبری قانون.

- عدم استقلال صندوق نوآوری و شکوفایی، به عنوان بازوی حمایت مالی قانون، از نهاد دولت.

- فشار خصولتی‌ها برای بهره‌مندی از حمایت‌های مالی صندوق.

- سهم نسبتاً اندک نهادهای خصوصی و صنفی، در سازوکارهای اجرایی قانون.

- بروکراسی اداری نسبتاً پیچیده در اجرای سازوکارهای حمایتی، و کم‌توجهی به چابکی اجرا.
اکثر دانشمندان و صاحب‌نظران حوزه مطالعات خط‌مشی‌گذاری عمومی، مراحل کلی خط‌مشی‌گذاری عمومی را، شامل سه مرحله تدوین، اجرا و ارزش‌یابی می‌دانند (Keshwarian Azad, Etebarian Khorasgani, Hadi Peikani & Shahnooshi, 2021).
ارزش‌یابی، شامل گستره وسیعی از مفاهیم، نظیر سنجش، پایش، کنترل، نظارت و قضاوت است. از جمله مهم‌ترین، الزامات کمال‌بخش خط‌مشی‌های عمومی، ارزش‌یابی است که ضامن‌اندیشیده بودن، اجرای دقیق، و بهبود مستمر آن‌ها است. ارزش‌یابی خط‌مشی، نقشی بی‌بدیل، در ارتقای پاسخگویی، بهبود، یادگیری و حتی اطلاع‌رسانی دستاوردهای خط‌مشی‌های عمومی، از سطوح کلان ملی، تا سطوح خرد و بخشی، برعهده دارد (Vaezi & Mohammadi, 2017). با اجرای خط‌مشی، فرآیندهای عملیاتی، خاتمه نمی‌پذیرد، بلکه مرحله دیگر، یعنی ارزش‌یابی اقدامات انجام‌شده، جهت پاسخگویی به مشکل، باید به دقت، به اجرا گذاشته شود. در این زمینه، اهداف، مأموریت‌ها، مقاصد و راهبردهای سازمان، و مشکل احساس شده، توسط شهروندان، می‌تواند راهنمای مدیران، در این امر مهم، باشد که مطمئن شوند، ضمن تحقق اهداف سازمان، قادر بوده‌اند که مشکل ارباب‌رجوع را به‌طور کلی، برطرف نمایند (Candido Carlos & Sergio, 2019). بدیهی است، فرآیند خط‌مشی‌گذاری، به صورت فرآیندی پویا، و دارای ارتباطات چندسویه، با گذر از مراحل تدوین، اجرا و ارزش‌یابی، به صورت یک پیوستار، تحقق می‌یابد و به صورت جدا از هم و بدون ارتباط با یکدیگر، طی کردن این مراحل، با موفقیت همراه نخواهد شد (Ghahramannavasi & Shaygan, 2023).

با بررسی دقیق ادبیات پژوهش، مشخص شد هر چند در موضوع ارزش‌یابی خط‌مشی‌های عمومی مطالعات مشابهی صورت گرفته است، همچون مطالعات کمالی، شیخ‌زاده جوشانی و احمدی‌نژاد (۲۰۱۹)، شکری، دانایی‌فرد، خیرگو و فانی (۲۰۱۸) و اشتریان و امامی میبدی (۲۰۱۴)؛ اما هیچ پژوهشی، به ارزش‌یابی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، نپرداخته است.

از آنجا که ابهامات متعددی، در خصوص پیامدهای اجرای این خطمشی وجود دارد، پژوهش حاضر، سعی نموده است، با ارائه مدلی برای ارزش‌یابی کیفیت اجرای قانون مذکور، از جهات مختلف تناسب، کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی، امکان سنجش افزوده‌های اجتماعی اقتصادی ناشی از پژوهش‌ها و دستاوردهای علمی را از طریق روش تحلیلی-اکتشافی تحلیل محتوا، فراهم آورد. در این راستا، پژوهشگران، با هدف استخراج ابعاد و مؤلفه‌های مدل کارآمد ارزش‌یابی، سعی نموده‌اند تا اشتراکات معنایی ادبیات ارزش‌یابی را، مورد توجه، قرار داده و متناسب با اقتضات زمینه‌ای، موضوع خطمشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، رویکرد مطلوب ارزش‌یابی را از میان رویکردهای متداول، انتخاب و در قالب مدلی جامع، ارائه نمایند.

در این پژوهش، پژوهشگران سعی کرده‌اند، اهتمام ویژه‌ای به شناسایی، و تحلیل اقتضات زمینه‌ای و محیط نهادی حاکم بر فرایند تدوین، و اجرای خطمشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، به عنوان ویژگی متمایز پژوهش خود، داشته باشند. چه در مرحله مطالعات کتابخانه‌ای، شامل بررسی مستندات اصلی، و پشتیبان مرتبط با تدوین، و اجرای قانون، و چه در مرحله طراحی و اجرای مصاحبه‌های خبرگانی، این موضوع، همواره مد نظر، قرار گرفته است. از دیگر ویژگی‌های این پژوهش، کیفیت انتخاب خبرگان مصاحبه‌شونده است. در این خصوص، سعی شده است، با وسواس، و حوصله زیاد، از میان فهرست گسترده‌ای از خبرگان، کلیدی‌ترین و مؤثرترین شخصیت‌های مطرح، در فرایند تدوین، و اجرای خطمشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان انتخاب، و طی سه مرحله؛ مصاحبه‌های عمیق، برنامه‌ریزی و اجرا شده، تا در نهایت، اشباع نظری لازم، در قالب یک فرایند رفت و برگشتی، کدگذاری حاصل آمده است. بر این اساس، انجام این پژوهش، می‌تواند به مدیران و خطمشی‌گذاران، در جهت شناسایی ابعاد، و مؤلفه‌های کلیدی، چارچوب ارزش‌یابی خطمشی‌های توسعه علم و فناوری کشور، کمک نماید. ضمناً پیشنهادهای کاربردی پژوهشگران، بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌تواند در تدوین، و یا بازنگری کلی، یا جزئی خطمشی‌های این حوزه، مورد استفاده قرار گیرد.

مبانی نظری پژوهش

تعاریف ارزش‌یابی خطمشی: ریشه اصطلاح ارزش‌یابی، ارزش^۱ است، که نشان می‌دهد ارزش‌یابی‌ها، اساساً دربردارنده قضاوت‌های ارزشی^۲ هستند. ارزش‌هایی از قبیل: کارآمدی، مؤثر بودن، قابل استفاده

1. Value

2. Value Judgments

بودن، هزینه، ایمنی و قانون‌مندی (Calidoni Lundberg, 2006). مطابق تعریف ودونگ^۱، می‌توان ارزش‌یابی را، به عنوان ارزش‌گذاری گذشته‌نگر^۲، توأم با دقت، در نحوه اجرای مداخلات، نتایج و پیامدهای یک خط‌مشی عمومی، تعریف کرد. ارزش‌یابی‌ها، عمدتاً با مداخلات^۳، سر و کار دارند؛ بدین معنا که، به دنبال ارزیابی اقداماتی هستند، که بر کیفیت وضعیت کنونی جامعه، تأثیر می‌گذارند (Vedung, 2010). ارزش‌یابی، خط‌مشی فعالیت‌های سیاسی است، که توسط منافع، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای ارزیاب، تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Ahmadi Shapourabadi & Mottaghi, 2022). در تعریف جهانی دیگری، "ارزش‌یابی، سنجش نظام‌مند ارزش و مزیت یک موضوع است". استفالیم و کورین^۴، ارزش‌یابی را، فعل یا فرآیند تعیین ارزش، یا مزیت محصول، یا فرآیند می‌دانند (Stufflebeam & Coryn, 2014). بدون ارزش‌یابی، نمی‌توان به درستی درباره اعتبار روش‌ها، فراگردها، سامانه‌ها، سازمان‌ها و الگوهای اجرای کار، قضاوت کرد. قضاوت خوب، باید مبتنی بر تحلیل اطلاعات، و ارزش‌یابی شواهد باشد (Pour Ezzat, & Seyed Rezaei, 2018). ارزش‌یابی در حوزه خط‌مشی‌گذاری، چنین تعریف می‌شود: ابزار و رویه‌ای تحلیلی است که، دو امر را تحقق می‌بخشد. اول این که، پژوهش ارزش‌یابی، در مقام ابزاری تحلیلی، دربردارنده بررسی یک برنامه خط‌مشی‌گذاری، در جهت دستیابی به همه اطلاعات مرتبط با ارزیابی عملکرد، فرایند و نتایج آن برنامه است. دوم این که؛ ارزش‌یابی، در مقام یک مرحله، از چرخه خط‌مشی‌گذاری، عموماً به گزارش چنین اطلاعاتی، درباره روند فرایند تصمیم‌گیری، اشاره دارد (Monavvarian, 2015). ارزش‌یابی خط‌مشی، ارزیابی عینی، و نظام‌مند نحوه طراحی، اجرا و نتایج به دست آمده، از خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های خاتمه‌یافته، یا در حال انجام است (Soltani, Tabatabaiean, Hanafizadeh & Soofi, 2011).

اگرچه اجماع واحدی، بر سر تعریف ارزش‌یابی خط‌مشی، وجود ندارد؛ اما این تفاوت، در معانی ارزش‌یابی، نشان‌دهنده تفاوت، در تأکیدهایی است که، بر اهداف ارزش‌یابی می‌شود. به نظر نگارندگان، از مجموع دیدگاه‌های مطرح، چنین برمی‌آید که سه مفهوم کلیدی، از مفهوم ارزش‌یابی خط‌مشی، قابل استنباط است: تحلیل نسبت، میان کیفیت تدوین، و اجرای خط‌مشی، با شرایط زمینه‌ای (بعد تناسب)، سنجش میزان تحقق اهداف، و استخراج کیفیت نتایج حاصل، از اجرای خط‌مشی (اثربخشی) و تجزیه و تحلیل ستاده‌ها به داده‌ها (کارایی). علی‌رغم گذشت چندین دهه، از شروع مطالعات ارزش‌یابی خط‌مشی، و طرح دیدگاه‌ها و نظریات گوناگون، توسط

1. Vedung
2. Retrospective Assessment
3. Interventions
4. Stufflebeam & Coryn

صاحب‌نظران مطرح، در این حوزه، به نظر می‌رسد، هم‌چنان ادبیات این حوزه، از تکرار محتوایی گسترده‌ای، هم در سطح اصول و مبانی، و هم در لایه ابزارها، و روش‌ها، برخوردار است. به گونه‌ای که برخی صاحب‌نظران، معتقدند متناسب با اقتضائات زمینه‌ای، جغرافیایی و سیاسی خاصی که در آن یک خطامشی در حال ارزش‌یابی است، لازم است تا سبک ارزش‌یابی اختصاصی ویژه‌ی، طراحی و به اجرا، گذارده شود (De Francesco, & Pattyn, 2021). از جمله مهم‌ترین اهداف ارزش‌یابی یک خطامشی عمومی، این است که نهایتاً اطلاعاتی ارزشمند به منظور استفاده خطامشی‌گذاران، تصمیم‌گیرندگان، مدیران اجرایی و سایر ذی‌نفعان، در جهت اصلاح و بهبود خطامشی، و اجرای مؤثر آن، فراهم نماید (Fitzpatrick, James, Sanders, & Blaine, 2011). در واقع، هدف از ارزش‌یابی خطامشی، ارزیابی، این مسأله است که، آیا اهداف مورد نظر خطامشی، تحقق خواهد یافت و نیز ابزار لازم، برای تحقق این اهداف، به کار گرفته خواهد شد یا خیر؟ (Ahmadi Shapourabadi & Mottaghi, 2022; Alipour, Mamandi & Rahnavard, 2020).

قانون حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، چه در مرحله تدوین، و چه در مرحله تصویب و اجرا، (شرایط کنونی) طیف وسیعی از بازیگران و ذی‌نفعان، اعم از دستگاه‌های دولتی همکار (نهادهای سیاست‌گذار، مجلس شورای اسلامی، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، کمیسیون علمی، تحقیقاتی و فناوری؛ شورای عالی عتف)، کارگزاران اجرای قانون (معاونت‌های علمی و فناوری ریاست جمهوری؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر وزارتخانه‌ها) و شرکت‌های دانش‌بنیان را دربرمی‌گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت توجه به ذینفعان این قانون، لازم است رویکرد ارزش‌یابی ذینفع‌مدار و مشارکتی، مدنظر پژوهشگران، قرار گیرد.

اهمیت توجه به زمینه، سطوح و زمان‌بندی: از جمله موضوعاتی که به‌ویژه در سالیان اخیر مورد توجه صاحب‌نظران حوزه پژوهش‌های ارزش‌یابی، قرار گرفته است، مسأله زمینه‌ای^۱ است که در آن، فرایند ارزش‌یابی، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. به‌عنوان مثال، گرین، زمینه را محیطی^۲ تعریف کرده است که فرایند ارزش‌یابی در آن، واقع شده است (Greene, 2005). در تقسیم‌بندی دیگری، آلکین^۳، جنبه‌های سازمانی، اجتماعی و سیاسی یک خطامشی یا برنامه راه، به عنوان سه بعد اساسی، برای زمینه ارزش‌یابی، معرفی کرده است (Alkin, 2011). وو^۴، معتقد است تنوع، در نحوه تعریف و مواجهه ارزش‌یابان، با مسأله زمینه، ناشی از تفاوت‌هایی است که، در نوع نگاه و درک

1. Context
2. Setting
3. Alkin
4. Vo

ایشان، از مقتضیات خاص مرتبط با فرآیند ارزش‌یابی، وجود دارد. پژوهشگران ارزش‌یابی، متمایل به رویکردهای کیفی و مشارکتی، زمینه را به عنوان منبع بسیار مهمی، برای کسب اطلاعات، از بستری که در آن موضوع، در حال ارزش‌یابی، قرار گرفته است، مدنظر قرار می‌دهند (Vo, 2013). مسأله مهم دیگر، پرهیز از سردرگمی در کاربرد ارزش‌یابی پروژه، برنامه و خط‌مشی است. ممکن است آن‌ها، از نظر دامنه با یکدیگر، تفاوت داشته باشند؛ اما از روش‌ها و مدل‌های مشابهی، استفاده کنند. اصولاً تمایز میان خط‌مشی، برنامه و پروژه، چندان شفاف نیست. این موضوع، ویژه ایران نیست، بلکه عمومیت دارد. اگر خط‌مشی، صرفاً در معنای کلان آن، درنظر گرفته شود، به قواعد عامی، دلالت دارد که برنامه یا پروژه‌های معینی را دربرمی‌گیرد. غالباً خط‌مشی، برای اجرا، شامل چند برنامه و هر برنامه از چند پروژه، تشکیل می‌شود؛ بنابراین ارزش‌یابی خط‌مشی، ترکیبی و تجمیعی است، و از طریق ارزش‌یابی برنامه‌ها و پروژه‌ها، انجام می‌شود (Emami Meybodi, 2015). قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، به چند بخش تقسیم شده است که در واقع، هر یک از بخش‌ها را می‌توان، یک برنامه در نظر گرفت که هر یک به فعالیت‌هایی، تقسیم می‌شوند. در ارزش‌یابی خط‌مشی، توجه به این سه سطح، حائز اهمیت است.

جدول ۱: سطوح و ابعاد ارزش‌یابی خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان

ابعاد ارزش‌یابی	سطح ۱: خط‌مشی	سطح ۲: برنامه	سطح ۳: فعالیت
تناسب خط‌مشی	*	*	
کارایی خط‌مشی	*	*	*
اثربخشی خط‌مشی	*	*	
فایده‌مندی خط‌مشی	*		

علاوه بر سطوح، لازم است زمان‌بندی ارزش‌یابی (قبل از اجرا، حین اجرا و پس از اجرا) در ارتباط با معیارهای چهارگانه تناسب، کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی مورد توجه قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات موضوع، نشان داد در زمینه ارزش‌یابی خط‌مشی، پژوهش‌های مختلفی، صورت گرفته است. پژوهش قهرمان نوه‌سی و شایگان (۲۰۲۳) با هدف شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر، بر اجرای خط‌مشی‌گذاری، در جهت کاهش نابرابری، و توزیع عادلانه درآمد، انجام شده است و

یافته‌های مطالعه، نشان می‌دهد که شرایط توسعه اقتصادی با بالاترین وزن نرمال، از بیشترین اولویت، برخوردار است. سیاست‌های اقتصادی در اولویت دوم، نوع درآمد اولویت سوم، ساختار بازار اولویت چهارم، تبعیض اولویت پنجم، و شرایط شغلی، از کمترین اولویت برخوردار است. بر اساس نتایج، توسعه اقتصادی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار، بر وضعیت اقتصاد و توزیع عادلانه درآمد و شرایط شغلی، کم‌اهمیت‌ترین عامل است. **احمدی شاپورآبادی و متقی (۲۰۲۲)** پژوهشی، با هدف ارزشیابی خطمشی توسعه روستایی، در برنامه ششم توسعه، انجام داده‌اند. بر اساس یافته‌ها، ارزشیابی عملکرد خطمشی توسعه روستایی، در برنامه‌های توسعه، با تمرکز بر برنامه ششم توسعه، بیانگر آن است که علیرغم موفقیت در خروجی‌ها، در بُعد پیامدهای خود، مطابقت چندانی با اهداف از پیش تعیین شده ندارند. همچنین، ارزشیابی اقدامات و خروجی‌های خطمشی توسعه روستایی، بیانگر عدم توازن جدی نسبت اعتبارات اشتغال و تولید (اقتصادی)، به اعتبارات "کالبدی، خدماتی و زیربنایی" و عدم انطباق‌پذیری اهداف، و عناصر خطمشی توسعه روستایی، با لوایح و قوانین بودجه است. **کشوریان آزاد و همکاران (۲۰۲۱)** در پژوهشی کیفی، الگوی بومی اجرای خطمشی‌های قضائی کشور را، به روش تحلیل مضمون، و رویکرد دلفی فازی، ارائه نموده‌اند. داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان، در سه سطح پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، کدگذاری شده، و نتایج تحلیل در نهایت، به احصای ۱۵۳ مضمون پایه، ۳۶ مضمون سازمان‌دهنده، ۸ مضمون فراگیر و شکل‌گیری الگوی نظری، انجامیده است. نتایج، نشان می‌دهد حکمرانی شبکه‌ای قضائی، سیاست‌های اجرا، شهروندان، ویژگی شخصی قضات، ساختار اجرا، بازیگران اجرا، توانمندسازی کارکنان، و مبانی فرهنگی و دینی، عوامل مؤثر، در الگویی بومی اجرای خطمشی‌های قضایی، در دستگاه قضا هستند.

علی‌پور، ممدی و رهنورد (۲۰۲۰) در پژوهشی، با هدف شناخت اثربخشی اجرای خطمشی شراکت عمومی-خصوصی، در بخش عمومی ایران، به بررسی ۱۲۶ سازمان دولتی، به روش تصادفی نظام‌مند، پرداخته و نتایج نشان می‌دهد که اثربخشی اجرای خطمشی شراکت عمومی-خصوصی، با استفاده از ابعاد (کارایی اقتصادی، عدالت مالی، عدالت بازتوزیعی، همسازی با اخلاق عمومی، انطباق‌پذیری و پاسخگویی) معنادار است؛ یعنی اثربخشی خطمشی، از میانگین مفروض، بالاتر است. متولیان پروژه‌های شراکت عمومی-خصوصی، با تأکید بر نتیجه ارزشیابی، و استفاده از راه کارهای پیشنهادی این پژوهش، می‌توانند زمینه توسعه بیش از پیش اجرای پروژه‌های شراکت عمومی-خصوصی را، فراهم سازند. **کمالی، شیخ‌زاده جوشانی و احمدی‌نژاد (۲۰۱۹)** در پژوهشی، به شناسایی معیارهای اجرای موفق سیاست‌های عمومی، پرداخته‌اند. این معیارها در پنج زمینه: مربوط

به سیاست تدوین‌شده، ساختارها و سازمان‌های اجرایی، مجریان سیاست‌ها، شرایط و محیط اجرا و منابع و ابزارهای اجرای سیاست‌ها، طبقه‌بندی شده‌اند. **شکری، دانایی‌فرد، خیرگو و فانی (۲۰۱۸)** پژوهشی اکتشافی، با هدف طراحی الگویی، برای ارزش‌یابی کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران، انجام دادند و به کمک راهبرد داده‌بنیاد، مدل ارزش‌یابی را طراحی، و عناصر آن، مورد آزمون کمی قرار گرفتند. مهم‌ترین مراحل تأثیرگذار، در کیفیت خط‌مشی‌های عمومی، مرحله تدوین خط‌مشی عمومی، و مرحله مشروعیت‌بخشی به خط‌مشی، بوده‌اند. **قاضی نوری و فرازکیش (۲۰۱۸)** بر اساس نتایج مطالعات اسنادی، و پیمایش میدانی، یکی از گلوگاه‌های اصلی، عدم کارآمدی نظام ملی علم، فناوری و نوآوری، را، موضوع هزینه‌کرد بهینه منابع، معرفی کرده‌اند. پژوهشگران، با طراحی الگویی مبتنی بر تلفیق رویکردهای شاخص‌محور، و عملکردگرا به‌روش کیفی، از طریق ارزیابی عملکرد، سه نهاد دانشگاهی، به‌صورت کمی، اعتبارسنجی نموده‌اند. دستاورد این پژوهش، ارائه داشبورد تخصصی، برای هر سازمان ذی‌نفع، در نظام علم، فناوری و نوآوری، مشتمل بر ۵ نمودار راداری است که وضعیت توازن میان شاخص‌های ۴۵ گانه را به‌نمایش می‌گذارد. در پژوهشی دیگر، **حسنقلی‌پور، امیری و پورعزت (۲۰۱۷)** سعی در تدوین مدلی، برای ارزش‌یابی خط‌مشی نگهداشت اثربخش اعضای هیأت علمی، در آموزش عالی نموده‌اند. پژوهش، به روش آمیخته در ۲ مرحله به اجرا درآمده است. در مرحله اول، ابعاد و مؤلفه‌های مدل، از طریق بررسی ادبیات، و مصاحبه عمیق، استخراج شده، و به روش تحلیل تم، دسته‌بندی و ترکیب شده‌اند. در مرحله دوم، از روش دلفی، مؤلفه‌های مذکور، اعتبارسنجی شده، و مدل نهایی، ارائه شده است. **واعظی و محمدی (۲۰۱۷)** در پژوهشی، با رویکرد اکتشافی، الگویی برای ارزش‌یابی خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده ارائه کرده‌اند. بدین‌منظور، پس از مرور مفاهیم نظری، و انجام مصاحبه با خبرگان، مؤلفه‌های مرتبط با الگو، بر اساس راهبرد تحلیل مضمون، استخراج و در نهایت، الگوی مطلوب با توجه به سطوح محیطی، نهادی و سازمانی، پیشنهاد شده است. **اشتریان و امامی میبدی (۲۰۱۴)** در مطالعه‌ای تحلیلی-اکتشافی، با تأکید بر رویکرد نهادی، الگویی برای ساماندهی ارزش‌یابی خط‌مشی‌های عمومی، در نظام دیوانی-سیاسی ایران، ارائه کرده‌اند. در این الگوی پیشنهادی، نهادهای کلان سیاسی در سه بُعد: حوزه معطوف به مردم (ارزیابی سیاسی)، حوزه معطوف به تخلفات (ارزیابی قضایی) و حوزه معطوف به کمیت و کیفیت تحقق، و نتایج سیاست‌ها، (ارزیابی اداری) ساماندهی شده‌اند و نقش‌ها و مسئولیت‌های آن‌ها، مشخص شده است. بنا بر نظر ایشان، خروجی این الگوی ارزش‌یابی، که باید به انتشار عمومی برسد، بر استفاده از توان بخش خصوصی و عمومی غیردولتی، و اجتناب از توسعه تشکیلاتی نهادهای ارزش‌یاب، تأکید دارد. **سلطانی گرد فرامرزی (۲۰۱۱)** برای

ارزش‌یابی وضعیت خط‌مشی فناوری نانو در کشور، ۳ نوع ارزش‌یابی را در قالب ۳ مدل مطرح نموده است: مدل ارزش‌یابی تناسب (در مرحله تدوین خط‌مشی)، مدل ارزش‌یابی کارایی (در مرحله اجرای خط‌مشی) و مدل ارزش‌یابی اثربخشی (در مرحله بازنگری و تحلیل خط‌مشی). نتایج ارزش‌یابی این مدل‌ها، سنجش میزان انطباق برنامه‌ها، با اهداف کلان یک خط‌مشی، و همچنین سنجش انطباق برنامه‌های ذیل خط‌مشی با شرایط خاص زمینه‌ای آن، سنجش میزان دستیابی به نتایج مورد انتظار، برنامه یا خط‌مشی و سنجش کارایی هزینه‌ای، سنجش میزان یادگیری خط‌مشی، و سنجش میزان توانایی برنامه یا خط‌مشی، در فعال‌سازی نهادهای کلیدی بازیگر راه، به دنبال دارد. **نایگن، بلیکی و هوپ**^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی، به بررسی ابزارهای تجاری خط‌مشی‌های آموزش عالی، در اروپا پرداختند. در این پژوهش، به دو جنبه از اجرای سیاست، تمرکز کردند. یکی از سیاست‌های اساسی آن است که، از لحاظ ابزارهای سیاست، مانند قوانین و مقررات، انگیزه‌های مالی و ترتیبات سازمانی، استفاده می‌شود. جنبه دوم، فرآیند پیاده‌سازی، به عنوان الگوهای مشارکت، و اعتماد در میان بازیگران درگیر است. **باتسوری**^۲ (۲۰۱۶) در پژوهش خود، به این نتایج دست یافت که وضوح اهداف، و استانداردهای خط‌مشی، و همچنین کیفیت بهتر خدمات عمومی، که بر اساس سطح رضایت سرمایه‌گذار خارجی، از اجرای خط‌مشی سرمایه‌گذاری خارجی، تعیین می‌شود، تأثیر مثبتی بر اجرای خط‌مشی دارد. **صدیق**^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی، عوامل مؤثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های دولت الکترونیکی در پاکستان راه، در چهار دسته عوامل فردی، سازمانی، فرآیندی و محیطی تقسیم کرده و تأثیر این عوامل راه، مورد بررسی قرار داده است، و با تعیین جهت، و رهنمودهایی برای همه ذینفعان اجرایی، اجرای موفقیت‌آمیز دولت الکترونیکی را در پاکستان، فراهم می‌کند. با توجه به بررسی پژوهش‌های قبلی، اهداف متفاوتی در مطالعه، و ارائه مدل ارزش‌یابی خط‌مشی، در نظر گرفته شده است. برخی از پژوهش‌ها، از منظر سیاستی به موضوع پرداخته، و یا به گردآوری و تحلیل دیدگاه خبرگان، در مورد معیارها و شاخص‌های مطلوب ارزش‌یابی، بسنده کرده و یا با تمرکز بر بخشی از جامعه آماری مورد مطالعه صورت گرفته، از جامعیت کافی، برخوردار نبوده‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

فرآیند خط‌مشی‌گذاری معمولاً به تعدادی مراحل، شامل: تشخیص مسأله، دستورگذاری، تدوین و قانونی‌سازی خط‌مشی، اجرا و ارزش‌یابی تقسیم‌بندی می‌شود. براساس این چارچوب، فرآیند

1. Nyhagen, Bleiklie & Hope

2. Batsuuri

3. Siddique

ارزش‌یابی، مرحله‌ای مهم تلقی می‌شود که از الگوهای متعددی تبعیت می‌کند که به تبیین ارتباط بخش ارزش‌یابی فرآیند خط‌مشی‌گذاری با سایر اجزا می‌پردازد. براساس این دیدگاه، ارزش‌یابی نه فقط یک مرحله از فرآیند خط‌مشی‌گذاری است؛ بلکه با یکایک اجزای فرآیند خط‌مشی‌گذاری ارتباط دوسویه داشته و بُعدی از فرآیند است که بر سایر اجزای چرخه خط‌مشی‌گذاری تأثیرگذار می‌باشد. از طرفی، در ارتباط با مفهوم ارزش‌یابی خط‌مشی، دسته‌بندی‌های گوناگونی از منظرهای مختلف صورت پذیرفته است، از جمله ارزش‌یابی کارایی، اثربخشی، برابری، کفایت، پاسخگویی، تناسب و سودمندی (Alipour Mamandi & Rahnavard, 2020). همچنین از منظر حاکمیت، سازمانی، کارکرد و زمان‌بندی طبقه‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است.

بر اساس جمع‌بندی ادبیات پژوهش در پژوهش حاضر، به‌منظور تدوین مدل ارزش‌یابی خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان از ۴ معیار (بعد) تناسب، کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی به‌عنوان پایه‌های اصلی الگوی پیشنهادی پژوهش بهره گرفته شده است. علاوه بر این ۴ بُعد، سایر ابعاد مهم اشاره در ادبیات و پیشینه پژوهش نظیر فرآیند، زمینه، زمان‌بندی نیز مورد توجه قرار گیرد. از آن‌جا که در طراحی الگوی مطلوب ارزش‌یابی خط‌مشی مذکور، رویکرد اقتضایی ذی‌نفع‌مدار و مشارکتی انتخاب شده است، لزوم مراجعه به آرای خبرگان درگیر در فرآیند طراحی و اجرای این خط‌مشی ضرورتی حتمی به نظر رسید. بنابراین پژوهش میدانی در کنار تحلیل کتابخانه‌ای اسناد و مستندات در دستور کار پژوهشگران قرار گرفت. لازم به ذکر است تمرکز پژوهش حاضر، بر تشخیص انطباق دستاوردهای خط‌مشی با منابع مصروف‌شده برای آن، میزان همسویی کیفیت اهداف طراحی شده با اقتضائات و شرایط ویژه خط‌مشی و انطباق آثار بلندمدت خط‌مشی با اهداف خط‌مشی حمایتی مورد نظر بوده است تا بتوان به‌صورت نظام‌مند، فایده‌مندی این قانون را در حل مشکلات شرکت‌های دانش‌بنیان پس از یک دوره ۱۰ ساله از اجرای آن، مورد سنجش قرار داد؛ بنابراین از حیث زمان‌بندی صرفاً ارزش‌یابی پسین (پس از اجرا) خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان مورد توجه قرار گرفته و به ارزش‌یابی پیشین و حین اجرا نپرداخته است. افزون بر این، به‌منظور جامعیت پژوهش، سه سطح خط‌مشی، برنامه‌ها و پروژه‌ها در تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی مد نظر قرار گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، با هدف ارائه مدل ارزش‌یابی خط‌مشی، حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، انجام شده است و برای نوع‌شناسی پژوهش، از الگوی پیاز ساندرز، بهره گرفته شده است. این

الگو، که فرایندهای انجام یک پژوهش را نشان می‌دهد از لایه‌های مختلفی، تشکیل شده است که در آن، هر لایه متأثر از لایه بالاتر است. در لایه مبانی فلسفی، از در دسته عمل‌گرایی (بر اساس موضوع، و پرسش‌های پژوهش، مبنی بر امکان ارزش‌یابی عملکرد گذشته)، در لایه جهت‌گیری، از روش کاربردی-ارزش‌یابی (فلسفه و هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه الگوی ارزش‌یابی خطمشی برای حمایت، از اقتصاد دانش‌بنیان)، رویکرد از نوع استقرایی، (به دلیل ماهیت کیفی پژوهش، و رسیدن از جزء به کل)، راهبرد اصلی این پژوهش از مطالعه موردی (پژوهشگر با گردآوری داده‌های تفصیلی، به ارائه توصیفی جامع، و تحلیلی عمیق، از پدیده ارزش‌یابی خطمشی حامی شرکت‌های دانش‌بنیان)، از منظر گردآوری داده‌ها، از روش کیفی، توأمان به صورت اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی (با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش، داده‌ها به روش مصاحبه نیمه ساختاریافته، و مطالعه اسناد، جمع‌آوری شده است) و از منظر راهبردی، از رویکرد تحلیل مضمون، برای تدوین الگو، استفاده شده و از نظر افق زمانی پژوهش، تک مقطعی، بوده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود، در داده‌های کیفی است. مضمون یا تم، بیانگر چیز مهمی در داده‌ها، در رابطه با پرسش‌های پژوهش است. آنچه اهمیت دارد، معنا و مفهوم مضمون است و این رویکرد، الگوهای گسترده‌تر و متنوع‌تری را، جهت تلفیق داده‌ها، ارائه می‌دهد. نکته حائز اهمیت در این پژوهش، با توجه به انبوه داده‌ها، در فرایند گردآوری و تحلیل، تعیین سطح و واحد تحلیل خلاصه می‌شود. واحدبندی درست داده‌ها، و انتخاب دقیق آن، چیزی که قرار است مورد تجزیه و تحلیل پژوهش، قرار گیرد، از پیش‌نیازهای یک مطالعه موردی، محسوب می‌شود (Yin, 2014). واحد تحلیل این پژوهش، از نوع عینی بوده، و عبارت است از کلیه طرح‌ها، پیش‌نویس‌ها، متن قانون، آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، مکاتبات و دستورات اداری مرتبط با قانون حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، به همراه دیدگاه‌ها، تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات اجرایی مستند، که در این پژوهش، مورد ارزش‌یابی قرار می‌گیرد. علاوه بر واحد تحلیل، تعیین دقیق سطح تحلیل^۱ نیز، برای انجام یک پژوهش کیفی نظام‌مند، ضروری است (Babbie, 2007). در خطمشی‌گذاری علم و فناوری، سطح تحلیل بسته، به نوع پژوهش، می‌تواند خرد^۲ (بینگاہی)، بخشی^۳ (صنعت یا خوشه جغرافیایی)، کلان^۴ و ملی^۵ (قوانین و سیاست‌های ملی) و بین‌المللی باشد. با توجه به اهداف

1. Level of Analysis
2. Micro
3. Mezzo
4. Macro
5. National

و پرسش‌های پژوهش حاضر، سطح تحلیل مورد بررسی، سطح کلان و ملی است. جامعه آماری پژوهش، از دو بخش: طرح‌ها، پیش‌نویس‌ها، متن قانون، آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، مکاتبات و دستورات اداری مرتبط، با قانون حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، و بخش مدیران، کارشناسان متخصص، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه خط‌مشی‌گذاری، قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، تشکیل شده است. نمونه انتخابی، متخصصان و خبرگان این حوزه با تأکید بر تجارب افراد (دارای حداقل کارشناسی ارشد و بیش از ده سال تجربه اجرایی و مدیریتی مرتبط با موضوع) بوده که بر اساس نمونه‌گیری گلوله برفی، به طور هدفمند، انتخاب شده‌اند، و پژوهشگر، سعی نموده، با بهره‌گیری از نظرات آگاه‌ترین افراد، درباره موضوع پژوهش، به واکاوی و موشکافی رویداد، و پدیده موردنظر، بپردازد. در این پژوهش، پانل خبرگان شامل ۱۵ نفر خبره، و تعداد مصاحبه‌های انجام گرفته، ۱۵ مصاحبه حضوری (غیر از یک مورد) و در محل کار، هر یک از خبرگان بوده است. قبل از برگزاری جلسه، مصاحبه به شکل تلفنی، با هر یک از خبرگان، تماس برقرار نموده، و ضمن معرفی اهداف، و کلیات پژوهش، زمان و مکان مصاحبه حضوری، تنظیم شده است. در مرحله نخست، خبرگان مرتبط، با شناسایی ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، شامل ۷ نفر خبره، شناسایی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق، با ایشان، صورت پذیرفته است. تنها یکی از مصاحبه‌ها، به شکل مکالمه صوتی، از راه دور، ضبط شده است. مکان مصاحبه‌ها، حتی‌المقدور، در فضایی اختصاصی، و با رعایت استانداردهای اخذ مصاحبه علمی، انتخاب شده است. زمان تقریبی هر مصاحبه، به طور متوسط، حدود ۷۲ دقیقه، به طول انجامیده است. مصاحبه‌ها پس از ضبط، پیاده‌سازی، به نرم‌افزار اطلس تی نسخه ۷ منتقل شده است. پروتکل مصاحبه، قبل از برگزاری جلسه، به صورت الکترونیکی، برای ایشان ارسال، و چارچوب کلی پرسش‌های پژوهش، در آن تشریح شده است. پس از جمع‌آوری، و تحلیل داده‌های کیفی مصاحبه‌های مرحله اول، مرحله دوم مصاحبه‌ها با ۵ خبره درگیر، در اجرای خط‌مشی، انجام پذیرفت. مجدداً، پس از تحلیل داده‌های این مرحله، مرحله سوم مصاحبه‌ها، شامل ۳ خبره متخصص در خط‌مشی‌گذاری، و در عین حال، آشنا به مراحل تدوین، و اجرای قانون حمایت از دانش‌بنیان‌ها، انتخاب، و مصاحبه‌های کیفی، انجام، و تا رسیدن به مرحله اشباع نظری، ادامه یافته است. در جدول (۲) اطلاعات تحصيلی و شغلی مصاحبه‌شوندگان، قابل مشاهده است:

جدول ۲: اطلاعات تحصیلی و شغلی مصاحبه‌شوندگان

کد	مرحله	تحصیلات	رشته تحصیلی	شغل / حوزه تخصصی	مدت مصاحبه (دقیقه)
Ro1-1	اول	دکتری	مهندسی صنایع	عضو هیات علمی	۷۰
Ro1-2		دکتری	مهندسی صنایع	عضو هیات علمی	۷۵
Ro1-3		دکتری	اقتصاد	عضو هیات علمی	۵۸
Ro1-4		کارشناسی ارشد	مهندسی صنایع	طراح و مشاور طرح‌های ملی	۵۴
Ro1-5		دکتری	مهندسی نساجی	عضو هیات علمی/ نماینده مجلس	۶۳
Ro1-6		دکتری	علوم پایه	عضو هیات علمی/ معاون وزیر	۷۰
Ro1-7		دکتری	مدیریت	دبیر کمیسیون در دبیرخانه دولت	۷۳
Ro1-8	دوم	دکتری	مهندسی مکانیک	عضو هیات علمی/ معاون وزیر	۸۰
Ro1-9		دکتری	مدیریت	مدیرکل معاونت علمی	۸۵
Ro1-10		کارشناسی ارشد	مهندسی مکانیک	مدیرکل معاونت علمی	۶۸
Ro1-11		دکتری	مهندسی صنایع	عضو هیات علمی	۷۰
Ro1-12		کارشناسی ارشد	مهندسی برق	طراح و مشاور طرح‌های ملی	۷۶
Ro1-13	سوم	دکتری	خط‌مشی‌گذاری عمومی	طراح و مشاور طرح‌های ملی	۸۳
Ro1-14		دکتری	مدیریت فناوری	عضو هیات علمی/ مجری طرح‌های ملی	۹۰
Ro1-15		دکتری	مدیریت فناوری	عضو هیات علمی	۷۱

بررسی روایی و پایایی پژوهش، به روش ارزیابی لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵)، مبتنی بر چهار معیار قابلیت اعتبار و موثق بودن^۲، انتقال‌پذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴ و تأییدپذیری^۵ انجام شده است. باورپذیری می‌تواند، از طریق حفظ ارتباط طولانی‌مدت، با محیط پژوهش، و مصاحبه‌شوندگان، جهت دستیابی به آنچه واقعاً وجود دارد به‌دست آید. ورودی‌های پژوهش حاضر، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، از طریق انتخاب خبرگان، بر مبنای نمونه‌گیری گلوله برفی، و نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (اشتهار) تأیید، و دارای بالاترین کیفیت دانش، و تجربه مرتبط با موضوع پژوهش

1. Lincoln & Guba
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability
5. Conformability

قرار گرفتند. از آن‌جایی که پژوهش حاضر، به شکل انفرادی، انجام گرفته است، به منظور سنجش باورپذیری فرایند تحلیل داده‌ها، پژوهشگر، از راهبرد حداقل مداخله، در توصیف، بهره برده و تلاش نموده حتی‌المقدور از عین نقل قول مصاحبه‌شوندگان، استفاده نموده و کمترین اثر شخصی، بر روند توصیف، تحلیل و کدگذاری داده‌ها، داشته باشد. مهم‌ترین راهبرد برای تأمین روایی تفسیری، راهبرد بازخورد مشارکت‌کنندگان^۱ است (Faghihi & Alizadeh, 2005). بدین منظور در پژوهش حاضر، کدهای توصیفی مستخرج از متون مصاحبه‌ها، در اختیار مصاحبه‌شوندگان، قرار گرفته و بخش‌های ضعیف درک‌شده، مشخص، و اصلاح شده است. همچنین، پس از طراحی الگوی نظری، این الگو، در اختیار دو دسته از خبرگان مصاحبه‌شونده و بیرونی که در پژوهش، مشارکت نداشتند، قرار گرفت، و نظرات اصلاحی آن‌ها، دریافت و اصلاحاتی، اعمال شد. درخصوص انتقال‌پذیری این پژوهش، سعی شده است، نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (اشتهار) خبرگان، و با لحاظ نمودن حداکثر تنوع، صورت پذیرد و مشارکت‌کنندگان در پژوهش، به لحاظ تخصص و تجربه، متنوع و عمدتاً آحاد، و اشراف بالایی بر موضوعات مرتبط با تدوین، اجرا و ارزش‌یابی خط‌مشی‌های علم و فناوری داشته‌اند. همچنین با مستندسازی فرایند پژوهش، اطمینان‌پذیری آن، تأمین شده و امکان ممیزی روش‌های گردآوری، و تحلیل داده‌ها، برای دیگر پژوهشگران، و خوانندگان آن، فراهم گردیده و سعی شده است، با ارائه توصیف غنی، و ثبت جزئیات پژوهش، تأییدپذیری پژوهش، تأمین شود. پس از نهایی‌سازی مقولات، الگوی نهایی، تدوین شده است. در این پژوهش، فرایند تحلیل، توسط نرم‌افزار تحلیل کیفی اطلس تی نسخه ۷، انجام شده است.

تحلیل داده‌ها

با توجه به آنکه در پژوهش حاضر، رویکرد کیفی و راهبرد مطالعه موردی (ارزش‌یابی خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان) انتخاب شده است، و در میان روش‌های اصلی تحلیل الگوهای موجود در داده‌های کیفی، چهار روش تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا، نظریه داده بنیاد، و تحلیل مضمون، برجسته‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد، در انتخاب روش تحلیل مضمون، به عنوان روش مناسب‌تر، دلایل زیر بر شمرده می‌شود.

تحلیل گفتمان^۲ بر مطالعه نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار، توجه دارد (Yahyai Ilei, 2011). در این روش، پژوهشگر، متن را به دو لایه سطحی و عمقی، تقسیم‌بندی کرده،

1. Participant Feedback
2. Discourse Analysis



و سعی می‌کند، پس از تحلیل ظاهر متن، به مرحله فهم معنای بنیادین متن، برسد. این نگاه عمیق، در روش‌هایی همچون، تحلیل محتوا و مضمون، دیده نمی‌شود (Hasanifar & Amiri Parian, 2014).

ماکسول (۲۰۱۲)^۱ معتقد است در پژوهش‌های کیفی، جمع‌آوری، تحلیل، طراحی مدل و اعتبارسنجی آن، تقریباً به طور همزمان، انجام و تغییرات لازم با توجه به مسیر پژوهش، اعمال می‌شود. در روش تحلیل محتوا که با تحلیل مضمون، از جهاتی شباهت دارد، تمرکز بر سطوح خرد بوده، و با نشان دادن فراوانی داده‌ها، امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را، فراهم می‌سازد (Abedi Jafari, Taslimi, Faghihi & Sheikhzadeh, 2011). در حالی که، در تحلیل مضمون، الزاماً کثرت یک مقوله^۲ در نمونه داده‌ها، تعیین‌کننده مضمون بودن آن مقوله نیست؛ بلکه اهمیت ارتباط مقوله‌ها، با پرسش‌های پژوهش، تعیین‌کننده مضامین است و به کثرت آن‌ها ارتباطی ندارد (Mohammadi, 2018). با این توضیح، به نظر می‌رسد، روش تحلیل محتوا، روش مطلوبی برای دستیابی به برداشت‌های عمیق لازم، برای ارزش‌یابی خطمشی در دست تحلیل، در این پژوهش، نباشد. روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، با توصیف وضع موجود پدیده‌ها، "هست"ها را تبیین می‌کند؛ بنابراین برای طراحی مدل تجویزی ارزش‌یابی خطمشی، که به دنبال ارائه "بایدها" است، مطلوب نخواهد بود (Yavari, 2012)؛ بنابراین، با توجه به مجموعه خصائص بیان‌شده، به منظور تحلیل داده‌های کیفی این پژوهش، به نظر می‌رسد، روش تحلیل مضمون، بیشترین تناسب روش‌شناسی را با موضوع، و پرسش‌های پژوهش حاضر، دارا باشد.

به نظر می‌رسد، دو مدل فرآیندی، برای انجام تحلیل مضمون؛ یعنی مدل ۳ مرحله‌ای براون و کلارک^۳ (۲۰۰۶) و مدل ۳ مرحله‌ای کینگ و هاروکز^۴ (۲۰۱۰)، در پژوهش‌های مبتنی بر تحلیل داده‌های کیفی، بسیار متداول است که با توجه به جامعیت نسبی مدل فرآیندی کینگ و هاروکز، در پژوهش حاضر، از کلیت این مدل، استفاده شده است. در نمودار (۱) فرآیند تحلیل مضمون منتخب، مشتمل بر شش مرحله معرفی شده است:

1. Maxwell
2. Sub Theme
3. Braun & Clarke
4. King & Horrocks



نمودار ۱: فرآیند تحلیل مضمون منتخب در پژوهش حاضر (منبع: King & Horrocks, 2010)

در پژوهش حاضر، پژوهشگر، پس از مطالعه دقیق کلیه مستندات مرتبط با مراحل تدوین، تصویب و اجرای خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، شامل متن قانون، دستورالعمل‌های اجرایی، صورت‌جلسات و نامه‌نگاری‌ها، از یک سو و همچنین مرور مجدد ادبیات ارزش‌یابی خط‌مشی، اهداف و پرسش‌های پژوهش، از سوی دیگر، اقدام به طراحی پروتکل مصاحبه با خبرگان، نموده و دور اول مصاحبه‌ها را، بر اساس این پروتکل، برگزار نمود. در دور اول مصاحبه‌ها، پژوهشگر، به دنبال بررسی عمیق انگیزه‌ها، دلایل، زمینه‌ها، مراحل تدوین، و تصویب خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان بوده و طی انجام ۷ مصاحبه، این مرحله به اتمام، رسیده است. سپس متن پیاده‌شده مصاحبه‌ها، (به فرمت آر.تی.اف) به نرم‌افزار تحلیل کیفی اطلس تی نسخه ۷ انتقال یافت، و مراحل انتخاب نقل‌قول‌ها، و کدگذاری توصیفی، برای کلیه مصاحبه‌ها انجام پذیرفت. در مرحله کدگذاری تفسیری، ابتدا کدهای توصیفی ایجادشده،

در مرحله قبل، از طریق یافتن وجوه اشتراک، یا افتراق میان آن‌ها، دسته‌بندی شدند. با انجام این دسته‌بندی، زمینه برای ظهور کدهای تفسیری، (مضامین سازمان‌دهنده) فراهم شده، و به منظور رسیدن به حداقل هم‌پوشانی، کدهای تفسیری طی چند مرحله، با یکدیگر مقایسه، و ادغام شدند. نهایتاً مضامین سازمان‌دهنده، با توجه به پرسش‌های پژوهش، و مبانی نظری خوشه‌بندی شدند. خوشه‌ها، در راستای یافتن پاسخ پرسش پژوهش، که همانا چگونگی طراحی مدل مناسب ارزش‌یابی خطامشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان است، تفسیر و تحلیل شدند. با اتمام خوشه‌بندی، کدهای تفسیری مصاحبه‌های دور اول، مصاحبه‌های دور دوم، با تأکید بر ارزش‌یابی کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی خطامشی حمایت از شرکت‌ها، و مؤسسات دانش‌بنیان، از منظر خبرگان آغاز شد، و فرآیندی مشابه مصاحبه‌های دور اول، انجام پذیرفت. مصاحبه‌های دور سوم نیز، با تأکید بر استخراج مؤلفه‌های بعد تناسب خطامشی، اخذ و به شکلی مشابه، مراحل کدگذاری توصیفی و تفسیری روی داده‌ها انجام گرفت. در نتیجه، تا انتهای مرحله دوم فرآیند تحلیل مضمونی، در مجموع ۳۶۳ کد توصیفی (مضمون پایه) استخراج شدند. در مرحله بعد، که تحت عنوان یکپارچه‌سازی، نام‌گذاری شده است، مضامین سازمان‌دهنده، طی چند مرتبه، تحلیل رفت و برگشتی، مورد خوشه‌بندی، بازبینی و تفسیر قرار گرفت، و نهایتاً ۳۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۹ مضمون فراگیر، به دست آمد. به عنوان نمونه، نحوه کدگذاری و تحلیل مضامین پایه، و کدهای توصیفی، مرتبط با پرسش پژوهش، در قالب کدهای تفسیری (مضامین سازمان‌دهنده) مقوله‌بندی‌شده از مضمون فراگیر کارکردهای خطامشی و مضمون کارایی، در **جدول (۳)** و مجموعه کلی مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج‌شده، در **جدول (۴)** ارائه شده است:

جدول ۳: گویه‌ها، مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده در پژوهش حاضر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	گویه (نقل قول منتخب)
	سرمايه‌گذاري دولتي	در ابتدای مسیر تشکیل این گونه صندوق‌ها معمولاً باید سرمايه‌گذاري دولتي صورت گیرد تا بقيه رغبت کنند و مشارکت کنند (مصاحبه ۱)
	معافيت گمرکي	در این معافيت‌هایی که آوردید در پیش‌نویس، هفت سال معافيت گمرکي و مالیاتي دیدید که بعداً شد ۱۵ سال (م ۱) ایشان بحثی را مطرح کرد که آقا موضوع مهمی است و... بحث بورس است. تأمین مالی کلی بود، ولی آن جلسه به‌طور خاص بحثش بورس بود (م ۳)
تسهیل‌گری مالی	حمایت در ورود به بورس	آقای... یک ایده دیگری داشت و آن این بود که من برای این که بیایم از نوآوری حمایت کنم، یک بانک می‌خواهم (م ۳) آن موقع همیشه آقای... همین سه میلیارد را می‌گفت. که می‌روم سه میلیارد دلار از صندوق ذخیره ارزی می‌گیرم (م ۳) پس الان شما هر ماده از قانون دانش بنیانی که می‌بینید ناظر بر حل یک مسئله ویژه بوده که در آن مقطع سال‌های ۸۷ تا ۸۹ بروز و ظهور پیدا کرده بوده است. که در واقع ماحصل آن شد تشکیل یک نهاد مالی با عنوان صندوق نوآوری و شکوفایی و بحث معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و... (م ۸)
تسهیل‌گری انسانی	حمایت از نخبگان، مخترعان و نوآوران	آقای دکتر... در دفاع از این لایحه با این ادبیات دارد صحبت می‌کند. حمایت از نخبگان، مخترعان یعنی می‌گوید فوریت این لایحه این است که اولاً این بسترهای قبلی فراهم شده است و ما الان هزاران نخبه، نوآور و مخترع داریم که این‌ها مراحل ابتدایی چرخه نوآوری را پشت سر گذاشته‌اند و آماده تجاری‌سازی هستند. باید هر چه زودتر به این‌ها کمک کنیم (م ۱)
تسهیل‌گری حقوقی	امتیاز ویژه در مناقصات	یک ماده‌ای را در لایحه گنجانده بودند که محتوایش این بود که در هر مناقصه، اصولاً اگر شرکت دانش‌بنیانی رفت و در مناقصه شکست خورد، باید ده درصد آن مبلغ مناقصه را به او بدهند یا می‌توانند برایش پروژه تعریف کنند (م ۳)
تسهیل‌گری بازار	خریدهای دولتي	این مقوله خریدهای دولتي ^۱ و این که تأثیرش روی نوآوری چه هست خودش یک مسأله روز است (م ۱) رونق کسب و کار را هم با تحریک بازار انجام می‌دهند (م ۴) خط‌مشی تحریک طرف تقاضا وقتی دولت می‌گوید من آماده‌ام پنج درصدم را قرارداد ببندم از شرکت دانش‌بنیان بخرم چرا من باید مخالفت کنم؟ (م ۵)

ادامه جدول ۳: گویه‌ها، مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده در پژوهش حاضر

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	گویه (نقل قول منتخب)
تسهیل‌گری پژوهشی	تخصیص نیم درصد بودجه کشور به امر پژوهش	نزد دکتر لاریجانی رفتم، گفتم من چنین لایحه‌ای دارم. نگاه کرد گفت این صندوق چیست؟ گفتم این طور و آن‌طور و شرکت‌های دانش‌بنیان را برایش تعریف کردم. گفت نیم‌درصد بودجه کل کشور می‌دانی چقدر است که می‌خواهی به این بدهی. گفتم می‌دانم ولی یادتان نرود بودجه پژوهشی قرار است به سه درصد برسد، خوب نیم‌درصدش این‌جا باشد، جای دوری که نمی‌رود. گفت مورد تأیید شماست؟ گفتم بله. گفت باشد (م ۵)
چابکی فرایندی	چالاک‌ی صندوق کارایی فرایندی	با هدف چالاک‌بودن صندوق ماهیت را طوری تعریف کردیم که دولتی نباشد. فلسفه این‌که ما نهاد غیردولتی تأسیس کردیم چه هست؟ همین آزادی عمل است. این نوع صندوق‌ها را، اگر بخواهید شما در قواعد بوروکراتیک اداری و نظارتی و دولتی ببیندازید آن را تا یک تقاضایی بیاید و تا یک چیزی دست آن طرف بیاید اصلاً ماهیت آن موضوع عوض شده است و رفته است پی کارش (م ۷) این چابکی که در واقع مفهومش این است که فرایندها سهل و شفاف و زمان‌دار باشند نکته مهمی است (م ۱۴) سرفصل بعدی ما بحث کارایی است. در بعد کارایی چند مؤلفه در واقع مدنظر من است؛ یکی کارایی فرایندی یا چابکی فرایندی، یکی بحث کارایی مالی هست که به صورت تناسب ورودی به خروجی‌های مالی تعریف می‌شود (م ۸)
تخصیص بهینه منابع داخلی	کارایی مالی تخصیص مالی متناسب با اندازه شرکت کارایی مجری در تخصیص منابع	در بعد کارایی چند مؤلفه در واقع مدنظر من است؛ یکی کارایی فرایندی یا چابکی فرایندی، یکی بحث کارایی مالی هست که به صورت نسبت خروجی به ورودی‌های مالی تعریف می‌شود (م ۸) پول زیاد برای ظرفیت‌های کوچک اون ظرفیت‌ها رو فاسد می‌کنه. اسمش اصلاً ریشه. آنهایی که کارهای مالی کردند می‌گن پولی که در واقع شرکت‌ها رو نابود می‌کنه و شرکت رو در واقع به سمت شرافیت هل میده. شرکت رو به سمت غیر بهره‌وری می‌بره (م ۱۱) محاسبه کارایی هزینه‌ای در مورد قوانین بالادستی دولتی خیلی سخت است و مهم‌تر از آن، اگر بتوانید محاسبه هم کنید در انتها، قضاوتی نمی‌توانید بکنید (م ۱۴) اگر بخواهیم یک سیاست رو از حیث کارایی ارزش‌یابی کنیم به نظرم این‌جوری می‌شه ارزیابی کرد. یه وقتی، سیاست منابع لازم براش پییده نشده یعنی منابع مالی، انسانی، زیرساختی و... یا این که بازیگر یا مسئولی نداره یعنی خود اون بازیگر وجود خارجی نداره و یا اینکه جفت این‌ها هست، ولی اون فعالیت توانایی لازم برای تحقق اهداف سیاست را نداره (م ۱۵)

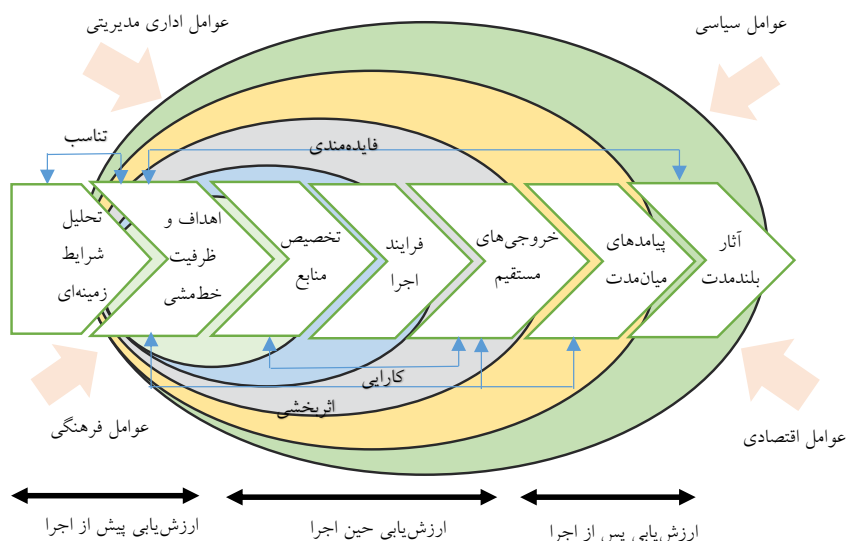
داده جدول ۳: گویه‌ها، مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده در پژوهش حاضر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	گویه (نقل قول منتخب)
بسیج ظرفیت‌های بیرونی	استفاده حداکثری از ظرفیت همه دستگاه‌ها	ما سعی کردیم واقعاً هر کسی در هر جایی از کشور، هر ابزاری داشته به کار بگیریم. مثل موضوع سربازی نخبگان یا بحث استقرار شرکت‌های دانش بنیان در فضای مسکونی (م ۸) ایراد دوم ما این بود که متأسفانه قبول نکردیم که به سازمان‌هایی اطراف ما هست که می‌توانیم از طریق اونا اقدام کنیم و ریسک خودمان را پوشش بدیم (م ۱۱)
هم‌افزایی شبکه‌ای (ایفای نقش اهرمی)	هم‌افزایی شبکه‌سازی تبادل دانش به هم‌رسانی شرکت‌ها	اگر می‌شد این دستگاه‌ها با همدیگر همکاری می‌کردند که مشترکاً بباییم از ظرفیت‌های قانون استفاده کنیم خوب می‌شد. منتهی مانع اصلی‌ای که وجود دارد همان نبود منطق نهادی سازنده است. موضوع منطق نهادی و یادگیری نهادی بسیار مهم است. فکر می‌کنم که در کوتاه‌مدت باید تلاش کنیم که از این ظرفیت استفاده کنیم و نگذاریم اختلافات بالا بگیرد (م ۲) این بحث شبکه‌سازی را نگاه می‌کردم می‌دیدم که ما اصلاً جایی برای هم‌افزایی نداریم. با این ارتباط گرفتن‌ها بحث انتقال دانش و هم‌افزایی و این کار مشارکتی و تیمی شکل می‌گیرد (م ۴) معمولاً متن قانون عمده‌تاً کلی نوشته می‌شود و جزئیات در آئین‌نامه‌های اجرایی طرح‌ریزی می‌شود. ما در برنامه‌های تکمیلی روی بحث تبادل دانش، شبکه‌سازی فعال و به هم‌رسانی شرکت‌ها توجه کرده‌ایم (م ۸)

[illegible]

نمودار ۲: شبکه مضامین (خروجی نرم افزار تحلیل کیفی اطلس. تی نسخه ۷)

پس از شناسایی ابعاد (مضامین فراگیر) و مؤلفه‌های کلیدی (مضامین سازمان‌دهنده) تأثیرگذار بر مدل ارزش‌یابی خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، و با انتخاب رویکرد ذینفع‌مدار، و مشارکتی، به عنوان رویکرد مطلوب ارزش‌یابی در این پژوهش، الگوی نهایی پژوهش، مطابق **نمودار (۳)** پیشنهاد شده است. بر اساس این الگو، ضمن توجه به مؤلفه‌های ذینفعان (خط‌مشی‌گذاران، مجریان و کارگزاران، شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و عموم جامعه)، شرایط زمینه‌ای، زمان‌بندی ارزش‌یابی (پیش، حین و پس از اجرا) و محیط کلان حاکم بر خط‌مشی، شامل عوامل اداری مدیریتی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی، چهار بعد متناسب، کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی، به عنوان سازه‌های کلیدی پژوهش، مدنظر قرار گرفته است. برای انسجام‌بخشی به مجموعه این سازه‌ها، و مؤلفه‌های پیرامون، از ترکیب مدل پویای چرخه خط‌مشی‌گذاری، چارچوب الگوی منطقی ارزش‌یابی خط‌مشی، و نظریه شرایط زمینه‌ای، و عوامل محیطی، بهره گرفته شده است.



نمودار ۳: الگوی پیشنهادی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

خطمشی، محصول و خروجی چرخه خطمشی‌گذاری عمومی است، و بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه، مشتمل بر سه حلقه تدوین، اجرا و ارزیابی است. به منظور تحقق توسعه پایدار در کشور، و کم کردن شکاف با کشورهای توسعه‌یافته، نظام خطمشی‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، ناگزیر به ایجاد، و توسعه بسترهای دانش بنیان شد. بنابراین مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۹، قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان را، تصویب نمود. پشتوانه فکری این قانون، برخاسته از چشم‌اندازی بود که ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش بنیان، موجب جذب و تبدیل ایده‌ها و ابتکارات، نوآوری‌ها در تولید، و ایجاد مشاغل پایدار، دستیابی به توسعه منطقه‌ای، کمک به تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌ها، ارتقای سطح فناوری تولید محصولات خام، و انجام خدمات تسهیل، و فراهم نمودن امکان استفاده از تخصص و توانمندی‌های علمی، در جهت رفع نیازها، و تحقق اهداف توسعه کشور، خواهد شد. همان‌طور که در ادبیات پژوهش، بیان شد، پژوهشگران، مدل‌های گوناگونی در زمینه خطمشی‌گذاری، ارائه کرده‌اند. این مطالعه، مدلی جدید به ادبیات موجود، می‌افزاید که از طریق تحلیل محتوای کیفی مدل‌های موجود، و نتایج مصاحبه با نخبگان، و خبرگان حاصل شده است. مدل پیشنهادی، جامعیت بالایی دارد که می‌تواند، فرآیند خطمشی‌گذاری در حمایت از مؤسسات و شرکت‌های دانش بنیان را، تسهیل کند؛ زیرا سعی بر این بوده است تا مراحل را که، در سایر مدل‌ها وجود دارد، و همچنین، مراحل دیگری را که، در مدل‌های مطرح‌شده تاکنون، مغفول مانده است، با دلایل منطقی در خود، داشته باشد.

از آن‌جا که ارزیابی موفق خطمشی‌ها، در اجرای حمایت مطلوب آن‌ها، مؤثر است، شناخت ابعاد، و مؤلفه‌های مرتبط با آن، در این مسیر، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین پژوهش حاضر، به روش کیفی، و با هدف ارائه مدل ارزش‌یابی خطمشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان، صورت گرفته است. پژوهش از نوع کاربردی، و دارای ماهیتی اکتشافی-ارزش‌یابی است. داده‌های پژوهش، به روش تحلیل مضمون، در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تجزیه و تحلیل، مورد طبقه‌بندی، قرار گرفته است. نتایج تحلیل، به شناسایی ۳۶۳ مضمون پایه (توصیفی)، ۳۲ مضمون سازمان‌دهنده (تفسیری) و ۹ مضمون فراگیر (یکپارچه‌سازی) منتهی شده است. نتایج پژوهش، نشان داد که ۹ مؤلفه کارکردهای خطمشی، ویژگی‌های مطلوب، عوامل محیطی، ساختار ارزش‌یابی، مراحل زمانی ارزش‌یابی، تناسب، کارایی، اثربخشی و فایده‌مندی، عناصر تشکیل‌دهنده مدل ارزش‌یابی خطمشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان، هستند.

مؤلفه کارکردهای خط‌مشی، از زیرمؤلفه‌های: تسهیل‌گری مالی، تسهیل‌گری انسانی، تسهیل‌گری حقوقی، تسهیل‌گری بازار و تسهیل‌گری پژوهشی، تشکیل شده است. منظور از تسهیل‌گری مالی، روش‌های گوناگون حمایت‌های دولت، از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، از قبیل سرمایه‌گذاری خود دولت، معافیت‌های گمرکی و مالیاتی، تشکیل صندوق‌های تخصصی و تسهیل شرایط ورود به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و... است، که مشوق ورود بخش خصوصی به حوزه اقتصاد دانش‌بنیان است. حمایت از نخبگان، مخترعان و نوآوران تسهیل‌گر تأمین منابع انسانی است. اعطای امتیازات ویژه در مناقصات، تحریک طرف تقاضا، خریدهای دولتی و تخصیص بودجه عمومی، به امر پژوهش، فعالیت‌هایی است که امور حقوقی، بازار و پژوهش‌گری را، تسهیل می‌نماید.

مؤلفه ویژگی‌های مطلوب از زیرمؤلفه‌های: سنجش‌پذیری، نظارت‌پذیری و پاسخ‌گویی تشکیل شده است. منظور از سنجش‌پذیری، تعیین اهداف و شاخص‌های کمی، از جنبه‌های مختلف، و الزامات نظارتی است که، قابلیت اندازه‌گیری و نظارت را، برای ارزیاب، فراهم می‌کند. از شاخص‌های مهم، وجود نهاد متولی پاسخگو و الزام به پاسخگوبودن، آن است که کاستی‌ها و انحرافات، در اجرای قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان را، اصلاح می‌کند.

مؤلفه عوامل محیطی دربردارنده زیرمؤلفه‌های: عوامل اداری و مدیریتی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و عوامل فرهنگی است. عوامل اداری و مدیریتی به برنامه‌های توسعه‌ای دولت، اشاره دارد و عوامل اقتصادی، بر اقتصاد دانایی‌محور و دانش‌بنیان، تأکید می‌ورزد. عوامل سیاسی نیز بر سیاست‌زدگی خط‌مشی و بازی‌های سیاسی آن، سوگیری‌های سیاسی در مرحله تصویب و به‌طور کلی بر تمرکز قدرت اجرایی اشاره دارد. نحوه تفکر و فرهنگ فردی و فرهنگ سازمانی عوامل تأثیرگذار در این قانون به عنوان عوامل فرهنگی شناسایی شده‌اند.

مؤلفه ساختار ارزش‌یابی دارای دو زیرمؤلفه درونی و بیرونی است. منظور از ساختار درونی، ارزیابی قانونی و حکومتی، نحوه اجرای قانون، توسط مراجع ذیصلاح، و ساختار بیرونی، بر لزوم نظارت غیردولتی، بر شیوه اجرای قانون تأکید دارد.

مؤلفه مراحل زمانی ارزش‌یابی از زیرمؤلفه‌های: پیشین، حین اجرا و پسین حکایت دارد. منظور از این مراحل، ارزیابی‌هایی بر مبنای زمان انجام است. همانند بسیاری از عملیات‌های سازمانی، خط‌مشی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان هم، در مرحله تصویب، همزمان، پیاده‌سازی و هم پس از انجام، نیازمند ارزیابی عملکردهای بازیگران است.

مؤلفه تناسب شامل زیرمؤلفه‌های: درونی، حقوقی، سیاسی و فناورانه است. از نظر درونی باید

میان سطوح خطمشی، رابطه منطقی وجود داشته باشد و میان اختیار و مسئولیت مجریان، تناسب برقرار گردد، تا اجرای صحیح قانون، عملیاتی شود. اهمیت جایگاه قانونی راهبر خطمشی و عدم مغایر بودن، با سایر قوانین، و کیفیت اختیارات و وظایف بخش‌های مختلف، مستلزم تناسب حقوقی است. تناسب سیاسی، گویای تفکیک جایگاه و وظایف وزارت علوم از معاونت علمی بوده و عدم توجه به اولویت‌های فناوری و ارتباط قانون با آن، از مشکلاتی است که با تناسب فناوریانه، قابل رفع است.

مؤلفه کارایی، شامل زیرمؤلفه‌های: تخصیص بهینه منابع داخلی، چابکی فرآیندی و بسیج منابع بیرونی است و استفاده از ظرفیت همه دستگاه‌ها و اختصاص بر اساس منابع، و توانمندی‌ها را تبیین می‌کند.

مؤلفه اثربخشی از زیرمؤلفه‌های: ارتقای غرور ملی، پیشتازی فناوریانه، و ایجاد انگیزه و امید، تشکیل شده است. ایجاد انگیزه، در نخبگان و ایجاد ارزش اجتماعی، و دستیابی به فناوری‌های خاص، بیانگر اثربخشی متناسب، در ارزش‌یابی این خطمشی است.

مؤلفه فایده‌مندی شامل زیرمؤلفه‌های: اشتغال دانشگاهیان، تجاری‌سازی پژوهش‌ها، تسهیل کسب‌وکار، و کاهش وابستگی است. رفع مشکلاتی که سال‌هاست، گریبان‌گیر اقتصاد، و فضای کسب‌وکار کشور شده است.

از حیث مقایسه پژوهش حاضر، با سایر پژوهش‌های مرتبط، می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: نتایج پژوهش شهسواری، و همکاران (۲۰۲۲) برحسب عناصر تشکیل‌دهنده مدل آن‌ها، در معرفی سیستم مستقل ارزیابی، ایجاد نظام نظارت، و بازخواست از نتایج اجرای خطمشی‌ها، و لزوم دسترسی به آمار و اطلاعات مورد نیاز، جهت ارزیابی خطمشی‌های صنعتی، با رویکرد رونق تولید، با مؤلفه ساختار ارزش‌یابی و نظارت غیردولتی، و نیز سنجش‌پذیری، از ویژگی‌های مطلوب مدل پژوهش حاضر، مطابقت دارد. گنجی‌پور و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که در مدل پیشنهادی خود، نوع مکانیزم ارزیابی (ارزیابی قبل از اجراء، ارزیابی حین اجراء و ارزیابی پس از اجراء) به بهبود خطمشی‌های آموزش و پرورش، می‌انجامد که مشابه با مراحل زمانی پژوهش حاضر است. قاضی نوری و فرازکیش (۲۰۱۸) نشان دادند، که کارایی نظام علم و فناوری، در اختصاص بهینه منابع، مؤلفه‌های شناسایی شده در مدل ارزیابی ملی علم، فناوری و نوآوری هستند که با نتایج این پژوهش، همخوانی دارد. یافته‌های حجت‌پور و همکاران (۲۰۱۹) مشابه با نتایج این پژوهش، نشان دادند که بسیاری از خطمشی‌های این حوزه، به صورت ناقص، اجرا گردیده و یا اصلاً اجرایی نشده، که این موضوع، سبب ایجاد مشکلات عدیده‌ای،

در زمینه ارائه خدمات، در حوزه تأمین اجتماعی، و نارضایتی گسترده، در سطح بیمه‌شدگان، به عنوان یکی از شرکای تأمین اجتماعی، شده است و در مؤلفه‌های عوامل محیطی و مؤلفه تناسب، با نتایج پژوهش، هماهنگ است. پژوهش معمارزاده طهران، میرسپاسی و جلیلی (۲۰۱۱) در مؤلفه اثربخشی با نتایج این پژوهش، همخوانی دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر، با دیدگاه‌ها و بررسی‌های دی فرانسیسکو و پاتین^۱ (۲۰۲۱)، ودونگ (۲۰۱۷)، بروسل و بوریا^۲ (۲۰۱۷)، استافلییم و کورین (۲۰۱۴)، دان^۳ (۲۰۱۲)، سلطانی و همکاران (۲۰۱۱)، منوریان (۲۰۱۵)، الوانی و شریف‌زاده (۲۰۱۴) و قلی‌پور (۲۰۱۴) همسو و همگراست.

با توجه به یافته‌های پژوهش و مدل ارائه شده، به متولیان و مجریان خط‌مشی مورد مطالعه، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

همسوسازی اقدامات اجرایی، با بسترهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جهت تسهیل اجرای مطلوب خط‌مشی، ارتقاء و به‌روزرسانی فرآیندهای جمع‌آوری، انباشت و پردازش داده‌ها، بازنگری و استقرار نظام‌های ارزیابی عملکرد، بازبینی و متناسب‌سازی ساختارهای سازمانی نهادهای مجری، جهت ایجاد تحرک و پویایی بیشتر آن‌ها، بهره‌گیری بیشتر از فناوری‌های روز، متناسب با مأموریت‌ها در اجرای خط‌مشی.

بهسازی فرآیندهای کنترلی و نظام‌مند نمودن جریان‌ها، و رویه‌های اجرای امور، توسعه و بهبود ارتباطات، و هماهنگی درون و برون سازمانی، بیان صریح و روشن اهداف خط‌مشی.

دور نگه‌داشتن بخش‌های اجرایی دولت از تنش‌ها و مناقشات سیاسی غیرضروری، پایش و ساده‌سازی محیط اجرا، کنترل عوامل تهدیدکننده ثبات محیطی، بهبود و توسعه دیپلماسی فعال تسهیل‌گر، ایجاد نظام بازخورد فرآیند در اجرا، و محدود نمودن عوامل بی‌نظمی، و اختلال در محیط اجرای خط‌مشی.

تعیین اهداف کمیت‌پذیر و قابل اندازه‌گیری اجرای خط‌مشی در حوزه‌های محدود و مشخص با هدف اخذ بازخورد، بهره‌گیری از یک یا چند نظریه علت و معلولی معتبر جهت پشتیبانی نظری از عقلانیت اقدامات اجرایی در حوزه‌های مختلف خط‌مشی.

دریافت نقطه نظرات و مشاوره تخصصی و فنی از مجریان، کسب آگاهی از ویژگی‌ها، اولویت‌ها و ارزش‌های جامعه هدف، آگاهی از قابلیت‌ها و تخصص‌های فعلی و مورد نیاز عوامل اجرایی و توجه و تأکید بر ایجاد آن‌ها، برنامه محوری و هدف‌گذاری واقع‌گرایانه مبتنی بر امکانات و زمان،

1. De Francesco & Pattyn
2. Brousselle & Buregeya
3. Dunn

ایجاد و ارتقاء شایستگی‌های مدیریتی در متولیان اجرای خطامشی، جلب حمایت و پشتیبانی افراد و گروه‌های ذی‌نفع.

تصویب و اجرای قوانین لازم برای تثبیت، و تقویت جایگاه قانونی نهادهای مجری، انطباق اهداف، و بایسته‌های خطامشی، با انتظارات و توقعات اجتماعی، همسوسازی فرآیندها، و اهداف خطامشی، با خواسته‌های جامعه مخاطبان آن، و ایجاد زمینه‌های مشارکت، و جلب همکاری صمیمانه مجریان و مخاطبان، در فضای مبتنی بر احساس اطمینان خاطر، در تحقق اهداف مشترک.

همچنین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود، مدل طراحی شده در این پژوهش را، به صورت تجربی، و بر اساس داده‌های کمی، بررسی و تحلیل نموده، و بر اساس نتایج مستخرج، راه کارهای کاربردی متناظر، ارائه نمایند.

در خصوص محدودیت‌های پژوهش به نظر می‌رسد مدل تدوین شده، در خصوص ارزش‌یابی خطامشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، با توجه به اقتضائات فنی، حقوقی و شرایط محیطی ناظر بر این خطامشی، قابل‌تعمیم و بهره‌برداری برای ارزش‌یابی سایر حوزه‌های خطامشی‌گذاری نباشد، و لازم است متناسب، با شرایط زمینه‌ای و ویژگی‌های تخصصی آن حوزه، مدل اقتضائی مطلوب، طراحی و اجرا گردد.

اظهاریه قدردانی

نویسندگان، مراتب سپاس و قدردانی خود را، از کلیه اساتید دانشگاهی، صاحب‌نظران و خبرگان بزرگوار، که با بذل وقت، دانش و تجربه خویش، در انجام این پژوهش، مشارکت نمودند، ابراز می‌دارند.

منابع:

- Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A., & Sheikhzadeh, M. (2011). Content and content network analysis: a simple and efficient method for explaining patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought* (Management Thought), 5(2). 151-198. (in Persian)
- Ahmadi Shapourabadi M., & Mottaghi S. L. (2022). Pathology and Monitoring of Rural Development Policies in Development Plans: Lessons for Developing Rural Development Executive Policies in the Seventh Development Plan. *Journal of Management and Development Process*. 35(3), 129-164. (in

- Persian) <https://www.doi.org/10.52547/jmdp.35.3.129>
- Alipour, H., Mamandi Q., & Rahnavard R. (2020). Evaluating the Effectiveness of Public-Private Partnership Policy in Iran's Public Sector. *Journal of Management and Development Process*, 33(2), 129-154. (in Persian) <https://www.doi.org/10.52547/jmdp.33.2.129>
- Alkin, M.C. (2011). What is the organizational, social, and political context? Evaluation essentials: From A to Z. New York, NY: Guilford Press.
- Alvani, S.M., & Sharifzadeh, F. (2014). The Process of Public Policy-Making. Tehran: Allameh Tabatabaei University Press (RA). (in Persian)
- Ashtarian, K., & Emami Meybodi, R. (2014). Organizing the Evaluation of Public Policies in the Islamic Republic of Iran. *Political Science*, 10(2), 26-35. (in Persian)
- Babbie, E.R. (2007). The practice of social research. Nelson Education.
- Batsuuri, G. (2016). Foreign Investment Policy Implementation Effectiveness: A Case Study from Mongolia. *Imperial Journal of Interdisciplinary Research*, 2(3), 309-320.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. <https://www.doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Brousselle, A., & Buregeya, J.M. (2018). Theory-based evaluations: Framing the existence of a new theory in evaluation and the rise of the 5th generation. *Evaluation*, 24(2), 153-168. <https://www.doi.org/10.1177/1356389018765487>
- Candido Carlos, J.F., & Sergio, P.S. (2019). Implementation obstacles and strategy implementation failure. *Baltic Journal of Management*.
- Calidoni Lundberg, F. (2006). Evaluation definitions, methods and models. Working paper, Swedish Institute for Growth Policy Studies.
- DeFrancesco, F., & Pattyn, V. (2021). Policy evaluation styles. In: M. Howlett & J. Tosun (Eds.) the Routledge Handbook of Policy Styles. London: Routledge. Preprint Version. <https://www.doi.org/10.4324/9780429286322-41>
- Dunn, W.N. (2012). Public policy analysis, Pearson Education Inc.
- Emami Meybodi, R. (2015). Policy Evaluation; Conceptual Disorder? *Public Policy Quarterly*, 1(3), 21-32. (in Persian)
- Faghihi, A., & Alizadeh, M. (2005). Validity in Qualitative Research. *Management Culture*, 3(9), 5-19. (in Persian)
- Fitzpatrick, J.L., James, R., Sanders, & Blaine R.W. (2011). Program Evaluation, Alternative Approaches and Practical Guidelines, Pearson Education.
- Ganjipour, S. R., Hadi Peikani, M., Eteabarian Khorasgani, A., & Gholizadeh, A. (2021). Presenting a Model for Evaluating Education Policies with a

- Network Governance Approach in Iran. *Bimonthly Scientific-Research Journal of a New Approach to Educational Management*, 12(5), 17-29. (in Persian)
- Ghazinoory, S., & Farazkish, M. (2018). National Assessment Model of Science, Technology and Innovation Based on Efficiency, Effectiveness and Utility Indicators. *Journal of Strategic Studies on Public Policy*, 8(27), 205-229. (in Persian)
- Ghahramannavasi, F., & Shaygan, S. (2023). Identifying and Ranking Factors Affecting the Implementation of Policy Making to Reduce Inequality and Equitable Income Distribution. *New Research Approaches in Management and Accounting*, 7(89), 960-984. (in Persian)
- Gholipour, R. (2014). *Organizational Decision Making and Public Policy Making*. 6th Edition, Tehran: Samt Publications. (in Persian)
- Greene, J.C. (2005). Context. In S. Mathison (Ed.), *Encyclopedia of evaluation* (pp. 82-84). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Hojjatpour, S., Danesh Fard, K.A., Taban, M., & Amirnejad, Q. (2019). Presenting a Model for Successful Evaluation of the Public Policies of the Social Security Organization Based on Professional Ethics. *Quarterly Journal of Ethical Research*, 10(37), 1-18. (in Persian)
- Hasangholipour, H., Amiri, M., & Pour-Ezzat, A-A. (2017). Developing an Evaluation Model for Effective Faculty Retention Policy in Higher Education. *Public Administration*, 9(3), 489-516. (in Persian)
- Hasanifar, A., & Amiri Parian, F. (2014). Discourse Analysis as a Method. *Contemporary Political Essays*, 5(1), 49-67. (in Persian)
- Kamali, Y., Sheikhzadeh Joshani, S., & Ahmadinejad, F. (2019). Implementing Public Policies: Providing Criteria for Successful Implementation of Policies. *Scientific-Research Quarterly Journal of Public Policy*, 253-275. (in Persian)
- Keshwarian Azad, R., Etebarian Khorasgani, A., Hadi Peikani, M., & Shahnooshi, M. (2021). Presenting a Native Model for Implementing Judicial Policies: Using the Application of Content Analysis and Fuzzy Delphi Approach. *Journal of Public Policy in Management*, 12(42), 1-29. (in Persian)
- King, N., & Horrocks, C. (2010). *Interviews in Qualitative Research*. Sage publications.
- Lincolne, Y. S. Guba E. G. (1985). Epistemological and methodological bases of naturdistic inquiry. *Educational Communication and Technology Journal*, 30(4), 233-252. <https://www.doi.org/10.1007/BF02765185>
- Monavvarian, A. (2015). *Implementation and Evaluation of Public Policy*.

- Tehran: Mehraban Book Publication. (in Persian)
- Maxwell, J.A. (2012). Qualitative research design: An interactive approach. Sage publications.
- Memarzadeh Tehran, G. R., Mirsepasi, N., & Jalili, S. (2011). Presenting a Model for Evaluating the Effectiveness of the Implementation of the Public Policy of the Islamic Republic of Iran in the Field of Health and Treatment. *Quarterly Journal of Public Management Mission*, 19-31. (in Persian)
- Mohammadi, M. (2018). Designing a Model for Evaluating Tax Policies in Iran: A Case Study of Value Added Tax Policy. PhD Thesis. Faculty of Accounting and Management, Allameh Tabatabaei University. (in Persian)
- Nyhagen, G.M., Bleiklie, I., & Hope, K. (2017) Policy Instruments in European Universities: Implementation of Higher Education Policies. In: Bleiklie I. Enders J. Lepori B. (eds) Managing Universities. Palgrave Studies in Global Higher Education. Palgrave Macmillan. <https://www.doi.org/10.1007/978-3-319-53865-5>
- Pour Ezzat, A. A., & Seyed Rezaei, M. (2018). Evaluating the Performance of the Government and Governance. Third Edition, Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Siddique, W. (2016). Critical success factors affecting e-government policy implementation in Pakistan. *E Journal of E Democracy and Open Government*, 8(1), 102-126. <https://www.doi.org/10.29379/jedem.v8i1.398>
- Shahsavari, H. R., Taheri Goodarzi, H., & Kameli, M. J. (2022). Identifying the components and indicators of the industrial policy evaluation model with the approach of production boom in the cluster of small and medium-sized businesses. *Quarterly Journal of the Iranian Management Sciences Association*, 17(66), 168-145. (in Persian)
- Shokri, Z., Danaei Fard, H., Khairgoo, M., & Fani, A.A. (2018). How to evaluate the quality of public policies in Iran: An exploratory study based on mixed methodology. *Scientific-Research Quarterly Journal of Government Organizations Management*, 6(2), (p.22), 79-94. (in Persian)
- Soltani, A.M., Tabatabaeian, S.H., Hanafizadeh, P., & Soofi, J.B. (2011). An evaluation scheme for nanotechnology policies. *Journal of Nanoparticle Research*, 13(12), 7303-7312. <https://www.doi.org/10.1007/s11051-011-0584-8>
- SoltaniGord Faramarzi, A.M. (2011). An Evaluation Model for Nanotechnology Policymaking in Iran. PhD Thesis, Tehran: Allameh Tabatabaei University. (in Persian)
- Stufflebeam, D.L., & Coryn, C.L. (2014). Evaluation theory, models, and applications. John Wiley & Sons.

- Vaezi, R., & Mohammadi, M. (2017). A Model for Evaluating Public Policies in Iran (Study of Value Added Tax Policy). *Perspectives on Public Administration*, 29, 47-72. (in Persian)
- Vedung, E. (2010). Four waves of evaluation diffusion. *Evaluation*, 16(3), 263-277. <https://www.doi.org/10.1177/1356389010372452>
- Vedung, E. (2017). Public policy and program evaluation. Routledge. <https://www.doi.org/10.4324/9781315127767>
- Vo, A.T. (2013). Visualizing context through theory deconstruction: A content analysis of three bodies of evaluation theory literature. *Evaluation and Program Planning*, 38, 44-52. <https://www.doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2012.03.013>
- Yahyai Ilei, A. (2011). What is discourse analysis? *Public Relations Research*, 10(60), 58-64. (in Persian)
- Yavari, V. (2012). Designing a conceptual model of organizational performance management for the Endowment and Charity Affairs Organization. PhD thesis. Faculty of Accounting and Management, Allameh Tabatabaei University (RA). (in Persian)
- Yin, R. (2014). Case studies in social research. Translated by Houshang Nayebi. Tehran: Nashr-e Ney. (in Persian)

نحوه ارجاع به مقاله:

برخوردار، برنا؛ جهانگیری، علی؛ حسین‌پور، داوود، و صاحبکار خراسانی، سید محمد (۱۴۰۴). ارائه مدل ارزش‌یابی خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان. *نشریه فرایند مدیریت و توسعه*، ۳۸ (۱)، ۹۷-۱۲۹.

Barkhordar, B., Jahangiri, A., Hosseinpour, D. & Sahebkar Khorasani, S.M. (2025). Presenting an Evaluation Model for the Policy of Supporting Knowledge-Based Companies and Institutions. *Management and Development Process*, 38(1). 97-129. DOI: [10.52547/jmdp.38.1.97](https://doi.org/10.52547/jmdp.38.1.97)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Management and Development. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

